

مبانی فلسفه رادیکال

چاد کائوزر
ترجمان: فؤاد حبیبی و امین کرمی



۱۳۹۷

سرشناسه: کاتزر، چاد kautzer, chad
 عنوان و نام پدیدآور: مبانی فلسفه رادیکال / نویسنده چاد کاتزر؛ مترجمان فؤاد حبیبی، امین کرمی.
 مشخصات نشر: تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۹۷.
 مشخصات ظاهری: پنجاه و چهار، ۳۳۳ ص.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۴۶-۰۰۷
 وضعیت فهرست‌نویسی: قیفا
 یادداشت: عنوان اصلی: Radical Philosophy: An Introduction.
 موضوع: رادیکالیسم Radicalism
 موضوع: کمونیسم Communism
 موضوع: فمینیسم Feminism
 موضوع: نظریه ناپنجار جنسی Queer Theory
 شناسه افزوده: حبیبی، فؤاد، ۱۳۶۰-، مترجم
 شناسه افزوده: کرمی، امین، ۱۳۵۷-، مترجم
 رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ HN ۴۹/۲۰۲
 رده‌بندی دیویی: ۳۰۳/۴۸۴
 شماره کتابشناسی ملی: ۵۱۶۳۷۲۲

مبانی فلسفه رادیکال

نویسنده: چاد کاتزر
 مترجمان: فؤاد حبیبی و امین کرمی
 چاپ نخست: ۱۳۹۷
 ششمگان: ۱۰۰۰ نسخه
 حروفچینی و طراحی: انتشارات علمی و فرهنگی
 لیتوگرافی، چاپ و سحافی: شرکت چاپ و نشر علمی و فرهنگی کتیبه
 حق چاپ محفوظ است.



انتشارات
 علمی و فرهنگی

اداره مرکزی و مرکز پخش: خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، چهارراه حقانی (پارک)، کوچه کمان، پلاک ۲۵؛ کدپستی: ۱۵۱۸۷۳۶۳۱۳؛ صندوق پستی: ۹۶۴۷-۱۵۸۷۵؛ تلفن: ۸۸۷۷۴۸۶۹-۰۰؛ فکس: ۸۸۷۷۴۵۷۲-۰۰؛ تلفن: ۲۹-۸۸۶۶۵۷۲۸؛ تلفکس: ۴۵-۷۵۴۴-۰۰۸
 آدرس اینترنتی: www.elmifarhangi.ir info@elmifarhangi.ir
 وبسایت فروش آنلاین: www.farhangishop.com
 فروشگاه مرکزی (پرنده آبی): خیابان نلسون ماندلا (افریقا)، بین بلوار گلشهر و ناهید، کوچه گلفام، پلاک ۷۲؛ تلفن: ۳-۲۲۰۲۴۱۴
 فروشگاه یک: خیابان انقلاب، روبه‌روی در اصلی دانشگاه تهران؛ تلفن: ۱۶-۶۶۹۶۳۸۱۵ و ۶۶۴۰۰۷۸۶
 فروشگاه دو: میدان هفت‌تیر، خیابان کریمخان زند، بین قائم مقام فراهانی و خردمند، پلاک ۱۳؛ تلفن: ۷-۸۸۳۴۳۸۰۶
 فروشگاه سه: خیابان کارگر شمالی، روبه‌روی پارک لاله، نبش کوچه ستاره، نمایشگاه و فروشگاه محصولات فرهنگی سازمان تأمین اجتماعی، پلاک ۱

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجمان	نه
سپاسگزاری	نوزده
مقدمه	بیست و یک
از معرفت فلسفی به معرفت علمی	سی و یک
انقلاب علمی و صورت‌بندی سوژه	سی و شش
فلسفه رادیکال، پراکسیس و تضاد	چهل و هفت
فصل نخست: روش‌شناسی انتقادی	۱
هرمنوتیک و نظرگاه	۸
پدیدارشناسی	۱۹
دیالکتیک	۲۱
ماتریالیسم	۳۷
فصل دوم: مارکسیسم و نقد طبقاتی	۴۷
بیگانگی و پدیدارشناسی کار	۵۴
فetišیسم و هرمنوتیک ارزش	۶۳

ارزش اضافی و تضاد طبقاتی ۷۶

پساکرمایه‌دارى، کمونیسم و اتونومیسم ۹۰

فصل سوم: فمینیسم و نظریهٔ کوئیر ۹۹

بدن‌ها، اجرا و بهنجارسازی ۱۰۸

جنسیت‌بخشی، پراکسیس و مردانگی ۱۲۰

قانون، پدرسالاری و کار ۱۴۱

فصل چهارم: ضدیت با نژادپرستی و مسئلهٔ سفیدبودگی ۱۵۵

ابزار مارکسی، اربابی و هرمنوتیک نژاد ۱۶۴

سند، دگرگونی، مثابه‌دارایی، حاکمیت و فتیش ۱۸۹

یادداشت‌ها ۲۱۳

کتاب‌شناسی ۳۱۱

پیشگفتار مترجمان

فلسفه غرب است از دست یازیدن و جنگ زدن تفکر به آنچه خواب تفکر را بر هم می‌زند... فلسفه چیزی همچون یک «شورس منطقی» است. فلسفه تفکر را با بی‌عدالتی سرشاخ می‌کند، با وضوحیت معیوب در جهان.

آلن بدیو

فلسفه بنا به تعریفی کلاسیک تأملی است بیرون از آنگرانی پرهیاهوی شهر و در صورت امکان، غور و تعمقی است در آتش، اصله و خلوتگاه آکادمیا. تفکری که گرچه نطفه آن در کوی و برزخ آتن در دل «شورشی منطقی» علیه ایدئولوژی رایج زمانه خویش (سوفسطائسم) بسته شده، اما به سرعت به کنج و زوایای تنهایی اندیشه‌ای فرو رفته در خویش عقب نشست. در ادامه نیز این فراشد با زبانی مغلق و نامفهوم تکمیل گردید و فلسفه به تمامی به نامی برای تلاشی نظری در دورترین فاصله از زندگی بدل شد. لذا، برخلاف گفته بدیو، فلسفه در بخش عمده‌ای از حیات خویش، دالی شد معروف یکی از سنگین‌ترین

خواب‌های تفکر، مصالحه‌ای توجیه‌گرانه با امر موجود و راهی برای طفره رفتن از تفکر درباره وضع معیوب و ناراست جهان. بی‌سبب نیست که همواره تلاش‌های پرثمر در خود تاریخ فلسفه به نام «مرگ» و یا «پایان» فلسفه کار خویش را آغاز کرده‌اند؛ تلاش‌هایی که البته همگی ناکام مانده‌اند. اما آیا همین ناکامی حاکی از آن نیست که از بیرون نمی‌توان به مصاف فلسفه در مقام خواب تفکر رفت؟ و آیا از همین بابت نیست که اگر حتی بخواهیم بر فلسفه غلبه یابیم، راهی نداریم مگر در آویختن با آن از درون و تلاش برای واژگون‌سازی تمامی توانش‌های «توجیه‌گرانه» و «تفسیرگرایانه» آن؟

لویی آلتوسر در یکی از رسالات فلسفی خویش، تفکر و فلسفه را مبارزه‌ای بر سر کمات و در دنیای زبان می‌خواند؛ مبارزه‌ای که به نمایندگی از برزخیت و عملی در جهان فرازبانی در حال انجام است؛ مبارزه‌ای که «کلمات» زبان را چون سلاح‌ها، مواد منفجره، زهرها و پادزهرهایی به کار می‌برد تا «زبان» غیرزبانی را تقویت، بازتولید و مفصل‌بندی کند. گاه این مبارزه در یک دوران می‌تواند صرفاً بر سر یک واژه به اوج خود برسد، اما بی‌شک، یکی از این مبارزه‌های فلسفی مهم و همیشگی، پیکار بر سر خود «مسن» است. «دال» فلسفه در دل خود حاوی تنشی است درون‌ماندگار که آن را در «نبره نزاع خواب تفکر و تفکر به خواب مزبور گرفتار ساخته است. فلسفه چگونه چیزی است؟ زیستن آگاهانه و فکورانه در کوی و برزن پر تلاطم شب یا قدم زدن نظرورزان در میان پرچین‌های آرام و مصفای باغ آدام؟ آیا این دو نسخه معکوس و مخالف از فلسفه که یکی پاسداری از مقام شامخ فلسفه را در پرهیز از آلودگی‌های زیستن و تفکر پیش‌افتاده روزانه می‌داند و دیگری فلسفه را بخش پیش‌رونده، زنده و پویای «جانور ناطق» در دل حیات انسانی، صرفاً دو گونه انتخاب هم‌ارز پیش روی ما هستند و صرفاً گزینه‌هایی باز و گشوده به روی انتخاب؟ آیا می‌توان به نسبت علایق و سلیقمان بر سبیل یکی طی طریق کرد و به دیگری واقعی

ننهاد؟ آیا با کرنش در آستان پلورالیسم و نسبی گرایی، باید راه‌های رسیدن به فلسفه را به تعداد خوانش‌های مختلف دانست و به هر یک نیز حق داد داعیه نمایندگی راستین فلسفه داشته باشند؟

اما فلسفه رادیکال، بی تعارف و آشکارا، خود را نه یکی از روایت‌ها از فلسفه، بلکه فلسفه به مثابه ذات راستین شورش منطقی جانور ناطق می‌داند. ذاتی که با به چالش کشیدن تفکر رایج و پذیرفته‌شده، راه خرد را از علم، سنت و افکار عمومی از همان آغاز جدا کرد و البته تاهان آن را به صورتی نمادین با جان بنیان‌گذار خویش پرداخت. این قرائتی است که هیچ معامله و رابطه‌ای را با ایدئولوژی و خواب تفکر برنتائیده و حمام نور - دمت کابوس تفکر ظاهر می‌شود؛ کابوسی که خود را نه در تابان‌های سم در آکادمیای افلاطون و دپارتمان‌های شیک و خوشنام فلسفه، دمی‌های بزرگ امروزی، بلکه در واکاوی‌های ریشه‌ای و خرمگس‌وار سقراطی از هر چیز و همه چیز نشان می‌دهد؛ در به پرسش گرفتن باورهای رایج، تعصبات، حقایق مسلم، اجماع همگانی، افکار عمومی، مصلحت‌دستی جمعی و... به همین سبب فلسفه رادیکال، رادیکالیسم فلسفه است؛ فلسفه‌ای که ریشه‌ها می‌پردازد، زیرا ریشه انسان در فلسفیدن و تفکر انتقادی نهفته است. فلسفه رادیکال از خود فلسفه می‌آغازد، از چیستی فلسفه و چرایی گریزناپذیر بودن رادیکالیسم در آن؛ البته اگر قرار بر وجود فلسفه به مثابه تکرری جزا از سنت و باور همگانی باشد.

اما فلسفه رادیکال نه تلاشی شهودی، خرافی و انتحاری، که پاتکی است فکورانه، نه فقط به زبان رسانه‌ها و ایدئولوژی که به زبان خواب‌زده فلسفه رسمی، نه فقط علیه مفاهیم که علیه فکت‌ها، نه فقط علیه واقعیت نمادین که علیه نمادهای واقعیت. و در دل این طرح رادیکال فلسفی و منطقی، لاجرم فلسفه رادیکال ابتدا باید خویش را معرفی کند و خطوط تمایز خود را از رسولان کاذب و کذاب خرد فلسفی ترسیم کند.

اما چنین رادیکالیسم فکری و نمادینی در رویارویی با ضرورت و گریزناپذیری انتقال و بازیابی معانی تازه واژگان و براساس هستی مناقشه برانگیز، کلکتیو و همواره معاصر خویش و در درگیری برای بازنمایی ایده‌هایی که همچنان واجد پتانسیل‌رهایی بخشی‌اند، در جهت احیا و رستگاری خویش، باید همواره پاسخگوی این پرسش بنیادین باشد: چرا این زبان و واژگان؟ یا به صورتی واضح‌تر: برای اکنون ما این زبان و واژگان چرا و در نهایت چگونه به کاربردنی‌اند؟ طرح این پرسش در اکنون ما تعیین‌کننده است، هرچند این پرسش نیز از قبل به نفعی و بی‌نفعی و پرسش بدگمانی به گذشته و زیر سؤال بردن بقایای دیروز و باستانی نیست. امر قدیمی آلوده است؛ همان ترفند نظم مسلط برای غیرتاریخی نمودن هستی و ازلی - ابدی کردن ساختارهای به شدت سرکوبگر و رضایت‌بخش. اتفاقاً یکی دیگر از آن واژگان که باید در قالب طرح‌های فلسفه رادیکال و در جهت حفاظت از زبان خویش بازیابی شود، همین گذشته است. رابطه آن با حال و آینده تفکر/عمل انتقادی است؛ جایی که زبان نمادی در فراشدی پرفراز و نشیب و بر مسیری پراز راه، شاهراه، بیراه و بن‌بست و پی‌رستگاری خویش و سوژه‌های مندرج در این زبان، شروع به بازیابی، انسیل و قابلیت‌های تثبیت‌شده در کلمات گذشته و استقرار مجدد آن در قالب نظامی تازه و اکنونی می‌کند. این قسم آغازیدن دوباره این گذشته در امروز و جست‌وجوی امروز در گذشته است؛ نوعی تداخل سازنده برای دخالت در وضعیت موجود و پیش‌رو، در راستای نفی هر آنچه شایسته نفی است. البته در این کنش مداخله‌گرانه توأماً نظری و عملی برای خلق شرایطی تازه، همواره این آگاهی وجود دارد که از هیچ نمی‌توان به آفرینش ارزش‌های نو دست زد.

در بطن چنین مبارزه و مباحثی است که «فلسفه رادیکال» پایه عرصه وجود می‌گذارد. مؤلف اثر حاضر آشکارا آرزوی داشتن چنین کتابی را در اوان آشنایی اولیه‌اش با تفکر و فلسفه داشته است. بر همین اساس،

چاد کائوزر دست به نگارش اثری زده که از همان آغاز اعلام می‌کند فلسفه رادیکال حاصل تعیین موضعی انتقادی و برخوردی آشفته و بازخوانی جنبش‌ها، شورش‌ها و مقاومت‌های جمعی حتی به ظاهر کم‌اهمیت، تلاش دارد اراده‌ها را در وضعیت موجود با سازش‌ناپذیری و سخت‌ای آشتی دهد که همواره از ویژگی‌های زبان رادیکال تفکر انتقادی و سوژه‌های مقاومت بوده است. به عبارتی، کلیت طرح این اثر با نام «فلسفه رادیکال» به نوعی نوشتن پادتاریخ مفهوم و ایده‌اندیشیدن رادیکال به شما می‌رسد؛ اصطلاحی که در اینجا قبل از هر چیز گریبان فلسفه را می‌گیرد. گریبان فلسفه را می‌گیرد زیرا برخلاف کانت که کارکرد فلسفه را - لوگیک و ممانعت از گرایش تفکر به فراروی از محدودیت‌های خیر و شر - انارفتن به سوی آنتی‌نومی‌ها تعریف می‌کرد، فلسفه رادیکال بر دنبال‌انگیزدن این فراروی و ایجاد قابلیت نظری برای مواجهه با پیامدهای این خطا است؛ جایی که فلسفه در تقابل با «توهم تفکر» و با اصرار بر خردپردازی سوژه، توانایی رؤیت امر محال و تأمل در باب آن را فراهم ساخته و خارج از این سطح فلسفی نظری، سوژه را با مابه‌ازای سیاسی و اجتماعی این تخطی در حوزه حیات روزمره‌اش مواجه می‌سازد، مابه‌ازایی که از مجرای پراکتیس سیاسی قابل‌بازیابی است.

چاد کائوزر در این کتاب، فلسفه‌ی انتقادی را صرفاً با الحاق پسوند «رادیکال» متمایز نمی‌سازد. برای وی فلسفه قسمی تغییر نظری در امر رادیکال است و چیزی که تغییری ریشه‌ای در تعبیر ما از فلسفه را هدف گرفته است، چرا که این دو واژه اساساً در رابطه‌ای سراسر دیالکتیکی با همدیگر هستند و تصور آن‌ها به صورت مجزا از هم بی‌معنی می‌نمایند. برای وی، فلسفه خارج از موضع رادیکال انضمامی و ملموس و همچنین موضع رادیکال انضمامی بیرون از فلسفه خاص خود بی‌معنا و لااقل ناقص جلوه می‌کنند. کائوزر این پیوند دوسویه را در تمام فصول چهارگانه

کتاب تا سرحد امکان حفظ می کند و بدان در مقام روش شناسی این قسم فلسفه وفادار می ماند. کائوزر به خوبی می داند که خود اصطلاح فلسفه رادیکال از پیش حاوی قسمی تنش و تقابل رادیکال است میان فلسفه و علوم اجتماعی و سیاسی که رفع دلبخواهی این تنش به نفع یک طرف است. راه حل پیشنهادی کائوزر، حفظ این تنش و شکاف و قبول این دوپارگی و درعین حال پیوند پرتنش است، جایی که همین تنش، خود فلسفه رادیکال را واجد بعدی به شدت رادیکال می سازد. به همین دلیل، کائوزر فلسفه را نه در مقام پادوی فعالیت های سیاسی و اجتماعی مفید و نفع بخش می کند و نه در همخوانی با مرزهای مرسوم آکادمیک، بلکه آن را در مقام تفکری زنده و تنیده شده در تک تک بافت های زندگی اجتماعی، از تصرف فیلسوفان تارک دنیا و برج عاج نشین اعظم و هپروتی خرج می سازد.

اولین گام وی برای تقابا با این اشغال و تصرف، اتصال تأمل نظری رادیکال با منفیت، خشم و راسازگاری در عوض رابطه کلاسیک فلسفه و تحیر است. تأکید بر خشم و عریان جهت چیرگی بر ترفندهای تلطیف و استریزه کردن مواضع سوژ کتب و غلبه بر موقعیت های نظری و عملی همورنیزه شده بر اساس ابزارهای چهارگانه ورد استفاده نظام سلطه (به ترتیب فصول) یعنی، دانش علمی پوزیتیویستی، سرمایه داری / مالکیت خصوصی، پدرسالاری، و نژادپرستی مبتنی بر نفی سفیدپوستان، عملاً تلاشی نظری / عملی است برای ایجاد اتصال میان این نظرات، نظری نویدبخش و رخدادهای اجتماعی سیاسی مرتبط با پراکسیس ضد استراتژی رهایی بخش. کائوزر از رهگذر این اتصال و میان بردن دو جبهه، اردوگاه و فیگور را از همدیگر متمایز می سازد: در یک سو جبهه و اردوگاه فلسفه رادیکال و فیگور فیلسوف متعهد و مبارز قرار دارد و در سوی دیگر اردوگاه فرزندانگان و دانایان کل و فیگور فیلسوف نظرورز همه چیزدان، که فلسفه را به زبان یأجوج و مأجوج فراری و فراری دهنده از مردم بدل می کند.

اما اگر به اردوگاه فلسفه رادیکال نگاهی مختصر بیندازیم و تجهیزات و استحکامات آن را در این نبرد ارزیابی کنیم، باید به بخش‌ها و اجزای این فهم از فلسفه اشاره‌ای مختصر داشته باشیم. به باور چاد کائوزر، چهار مؤلفه اصلی فلسفه رادیکال عبارت‌اند از: روش‌شناسی، زمینه خاص اجتماعی، قصد‌رهای بخش و ابزار و تدابیر عملی برای رهایی؛ که در این میان رهایی عملی به عنوان خصیصه اصلی، در ضمن بارزترین و برجسته‌ترین نوک پیکان و خط تمایز فلسفه رادیکال از فلسفه نظر منزهانه هم هست. بر این مبنا، می‌توان فلسفه رادیکال را قسمی پادفلسفه رایج هم تلقی کرد. پادفلسفه‌ای که قصدش بدل شدن به ابزاری برای رهایی اجتماعی و رفع انواع مختلف ستم به صورت انضمامی و در نهایت نفی خود، و به ناسپردن خویش به مثابه یک طرح است. کار این فلسفه‌گرد هم آوردن سنت‌هایی از معرفت عملی و مخالفت‌آمیز و کار کردن با رده‌ای است که واجد چنین معارفی هستند. این فلسفه در آشنایی، کاملاً با ترندهای نظام سلطه و خصوصاً تساهل و مدارا و تحمل‌صوری تفاوت در اشکال فرهنگی آن، به دنبال بیرون کشیدن خلاقیت از دل تفاوت است و سعی هنگامی که بر اثر فشار و سرکوب نظم مسلط علیه نیروهای سیاسی و اجتماعی پیکارگر، شاهد کاهش توان مقاومت و نفی تفکر/عمل انتقادی می‌شود، همچنان به مثابه کنشی تأملی به کاشت نوعی تخیل رادیکال اجتماعی ادامه می‌دهد. بنابراین، فلسفه رادیکال تخیلی است رادیکال که مفاهیمی همچون تغییر، رادیکالیسم، آنتاگونیسم و خط‌مشی‌های پادسنت را در زمانه‌ای پاس می‌دارد که بدان‌ها به عنوان مفاهیم و تصوراتی عتیقه، ممنوعه و حتی در مظان اتهام و تحقیر نگریسته می‌شود. این قسم تخیل، با اشاره به فیگورهای دارای پتانسیل رادیکالیزه شدن، هم ناآگاهی متفرعانه لیبرالیسم غیرسیاسی را گوشزد می‌کند، هم مدافعان سینه‌چاک آن را پریشان و آشفته می‌سازد.

از دیگر ویژگی‌هایی که گرویدن به اردوگاه فلسفه رادیکال را

برای آن‌هایی ضروری می‌سازد که در بهترین جهان ممکن کماکان سرنا سازگاری دارند، عهده‌دار شدن فراشده‌های صورت‌بندی سوژه و برچیدن اشکال ستمگری و امتیازات انحصاری حاصل شده از ترفندهایی همچون طبیعی‌سازی و خوگرفتن به سلطه است. فلسفه رادیکال این امر را با افشا و نشان دادن توانش دگرگونی اجتماعی در همین روابط موجود اجتماعی انجام می‌دهد. برکشیدن سوژه مقاومت از دل مبارزه طبیعت‌های نژادی، جنسی و اکثریت بیکاران و گرسنگان و تأکید بر اجزای بودن ویژگی‌های هویتی در سرمایه‌داری، تداخل تاریخی سوخته‌های نژاد، طبقه و جنسیت و توجه معنی‌دار به بدن، خارج از مفهوم تبار، از سرگر قابلیت‌های این طرح است؛ طرحی که از مجرای پیوند با دیگری، کنش خود-انتقادی (امر منفی هگلی) را سرلوحه هست خویش قرار می‌دهد. چاد کائوزر با بهره‌گیری از نقد اقتصاد سیاسی و با استفاده از نگاه می‌همچون ماتریالیسم تاریخی، بیگانگی، پدیدارشناسی کار، میسسیسم، انزاس اضافی و تضاد طبقاتی، توانایی نگرستن به آن چیزها و ادراک آن الزاماتی را دارد که از آن‌ها با عنوان کلی «ضرورت‌های سیستمیک» نام برده می‌شوند؛ ضرورت‌هایی که کاپیتالیسیم را به سوی قسمی بحران ساختاری پیش می‌رانند و از نظر کائوزر همان ساختارهای اجتماعی نهادینه شده در نظم مسلط سرمایه‌اند. لذا وی، با آغاز از مباحثی مفهومی و پایه‌ای، به سطح مختلف ستم در جهان موجود می‌پردازد و تمامی ابزارها و سلاح‌های فکری و زبانی و همچنین شماری از زمینه‌های تاریخی این مبارزات زبانی را، صرفاً به صورتی مبسوط شرح می‌دهد و سفری را آغاز می‌کند که برخلاف عنوان کتاب چندان در حد و اندازه‌های درآمد و مبانی نمی‌ماند و گاه تا ژرفای موضوعات مورد بحث جست می‌زند.

سخن پایانی اینکه فلسفه رادیکال برای تشریک مساعی در نبرد بر سر پرداختن ریشه‌ای به ستم و ناراستی موجود در جهان، از همان آغاز با نارضایتی و خروش علیه مسئله ستم کار خویش را شروع می‌کند و این

امر را در سرتاسر بحث خویش ادامه می‌دهد و پروایی از به زیر پرسش بردن متفکران شهیر و معظم روشنگری و نام‌آوران فلسفه، از کانت و هگل تا مونتسکیو و جان لاک، ندارد.

اگر در روال موجود چیزی جز «روز زیبای زندگی» نمی‌بینید، شاید بهتر آن باشد که به دنبال کتاب دیگر یا راه دیگری برای لذت بردن از زندگی و رقات فراغت خویش باشید. اگر آن‌قدر سعادتمند و راضی هستید که نمی‌خواهید خاطرتان با تعمق و تأمل در ریشه‌های فهم جهان موجود مکتب سود، این کتاب از آن آثاری است که باید از آن پرهیز کنید. اگر فلسفه‌ی یکی از تفریحات سطح بالای شما است و آن را برای نمایش یاسی سرهم‌بندی شده و فرزانه‌وار سودمند می‌دانید، هیچ سودی در این کتاب برای شما نمی‌راند متصور شد.

اخطار: در اینجا تکرار سود و جهانی که در قلب آن می‌تپد سرسختانه، عمیق و ریشه‌ی فکری می‌کند: برای سودازدگان اوتوپای وضع موجود، سینه‌چاکان بهتر نیست همان ممکن، شیفتگان بازی‌های زبانی فاضل‌مآبانه، کاسب‌کاران مغازه‌های مختلف برند فلسفه و ... ابداً توصیه نمی‌شود.

اردیبهشت ۱۳۹۵